
مجموعه اشعار
حضرت خدیجه (س)
مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه اشعار حضرت خدیجه(س)

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مجموعه اشعار حضرت خدیجه(س)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور:مجموعه اشعار حضرت خدیجه(س)/ مهدی سروری (مداح)

مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

۱- من کیستم یگانه امید محمدم

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من کیستم یگانه امید محمدم

ناموس وحی و همسر والای احمدم

ام‌الائمه مادر ام‌الائمه‌ام

یعنی خدیجه دختر پاک خویلدم

روح بزرگ خواجه اسراست در تنم

گلخانه ی بهشت رسول است دامنم

*****

من بین دشمنان زره مصطفی شدم

بر بانوان معلم درس وفا شدم

گشتم چو پیش روی رسول خدا سپر

از چارسو نشانه ی سنگ جفا شدم

بر پیکرم به شوق دفاع پیامبر

سنگ جفا ز شاخه ی گل بود خوب‌تر

*****

من پاسدار اشرف خلق دو عالمم

اسلام متکی شده بر عزم محکمم

همچون علی کنار محمّد ستاده‌ام

در سایه ی رسول خدا فوق مریمم

مریم حضـور مریم من می کند قیام

عیسی به یازده پسرم می‌دهد سلام

*****

شخص رسول برده به تجلیل نام من

گیرد ز اعتبار و شرف احترام من

خلقت اگر سلام دهندم عجیب نیست

حتی خدا رسانده به احمد سلام من

سرتا قدم اگر چه وجودم مقدس است

بر من مقام مادر زهرا شدن بس است

*****

پیش از نزول وحی خدا خوانده‌ام نماز

بردم رخ نیاز به درگاه بی‌نیاز

قرآن فرود نامده گفتم شهادتین

اسلام شد ز من، من از اسلام سرفراز

روز ازل کـه یـار رسـول خـدا شدم

سر تا قدم خدایی و از خود جدا شدم

*****

پیغمبر است شاهد پاکی و عصمتم

بر سر نهاده خواجه ی کل تاج عزّتم

روزی که خاک حضرت آدم نبود گل

شد همسری خواجه ی لولاک، قسمتم

تنها نه از نساء رسول خدا سرم

جز دخترم ز کلّ زنان نیز برترم

*****

زن‌های مکه یکسره از من بریده‌اند

دیگر ز خانه‌ام ز حسد پا کشیده‌اند

بر قلب من ز نیش زبان‌ها زدند نیش

هرگز مقام و منزلتم را ندیده‌اند

هر جا به غیر خانه من پا گذاشتند

حتی به وضع حملم تنها گذاشتند

*****

تنها به حجره مانده و مأیوس از همه

دائم لبم به ذکر خدا داشت زمزمه

دیدم یکی ز مهر مرا می‌زند صدا

مادر منم که هم سخنم با تو، فاطمه!

مادر چرا غریبی من یاور توام

ریحانه ی رسول خدا دختر توام

*****

مادر ز بی وفایی زن‌ها مکن گله

قابل نییَند تا به تو گردند قابله

با نصِّ «لایمسه الا المطهرون»

بین زنان مکه و ما هست فاصله

لبخند زن که دست خداوند، یار توست

مریم صفیّه آسیه هاجر کنار توست

*****

این بود قدر و منزلت و اقتدار من

تا مادریِ فاطمه شد افتخار من

ممنونم از رسول خدا و خدای او

بر فاطمه سلام خداوندگار من

«میثم» قصیده ی تو قبول رسول باد

زیبا سروده‌ای صله‌ات با بتول باد

*****

۲- ای آنکه بر احمد وفاداری خدیجه

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای آنکه بر احمد وفاداری خدیجه
اسلام را کردی علمداری خدیجه
تو هست و بودت وقف عشق مصطفی شد
دین را خریدی و خریدارت خدا شد
شعب ابیطالب گواه همتت بود
اسلام هم محو کمال و عفتت بود
ای مادر عصمت ، حیا ، عشق و عبادت
زهرا به قلب پاک تو دارد ارادت
همدوش احمد سالها آزار دیدی
زخم زبان از دشمنان دین شنیدی
وقتی ز طعنه روز او چون شام می شد
در اوج غم با نام تو آرام می شد
بودی همیشه دست پشتیبانی او
خون می زدودی از روی پیشانی او
تا دیدی از غم یار تو از پا نشسته
مرحم نهادی روی دندان شکسته
صد حیف شد بار سفر را زود بستی
با رفتنت قلب پیمبر را شکستی
بابا و دختر بی تو ای مادر چه سازند؟
باید که بی تو هم بسوزند و بسازند
می سوخت سر تا پا رسول ا... زین غم
حتی نبودی در دم مرگت کفن هم
مظلومه ای ، تنهای تنهایی خدیجه
مادر بزرگ بی کفن هایی خدیجه

۳- پاکی ، زلالی ، مثل دریایی ، خدیجه

مشخصات

مناسبت رحلت
سبک ولادتی
قالب ترجیع بند
شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پاکی ، زلالی ، مثل دریایی ، خدیجه

تاج سر زنهای دنیایی خدیجه

تو همسر محبوب من بودی و هستی

همخانه ام در عرش اعلایی خدیجه

من بارها با دیدن تو جان گرفتم

از بسکه آرام و شکیبایی خدیجه

تو هستی خود را برایم خرج کردی

در آسمان عشق یکتایی خدیجه

شایسته تر از تو زنی بین عرب نیست

تو مادر ام ابیهایی خدیجه

یک بار دیگر باز کن آغوش خود را

در بر بگیر این دختر خاموش خود را

*****

ای در میان موج غمها غمگسارم

بعد از تو غیر از فاطمه یاری ندارم

حس می کنم وقتی که جای خالیت را

بر روی پای کوچکش سر می گذارم

شعب ابیطالب تو را از من گرفته

همراه زهرا در فراقت سوگوارم

آرام می گرید که من آرام گیرم

آرام می گرید که من طاقت بیارم

طاقت ندارم اشک زهرا را ببینم

از گریه هایش عاقبت جان می سپارم

ای کاش عالم قدر زهرا را بداند

ای کاش صدها سال بعد از من بماند

*****

قلبم ز چشمان ترش آتش گرفته

بر حال و روز مضطرش آتش گرفته

می آید آن روزی که یاسم در گلستان

گلبرگهای پرپرش آتش گرفته

قرآن ناطق بین کوچه دست بسته است

در صحن خانه کوثرش آتش گرفته

زینب به چشمان خودش می بیند آنجا

دار و ندارش مادرش آتش گرفته

صدها فرشته تا قیامت در طوافند

آن خانه ای را که درش آتش گرفته

۴- مادر مظلومه ی من میون بستر رمق نداری

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

(مادر مادر بی تو زهرا می میره) ۳

می میره می میره

*****

مادر مظلومه ی من میون بستر رمق نداری

با این همه غصه و غم چرا بابامو تنها می ذاری

کنار بسترت ببین نشسته ام پریشون

شاهد جون دادنتم با دیده های گریون

نفس نفس می زنی و به قبله پا کشیدی

برای زنده موندنت نمونده هیچ امیدی

یه عمره با شعله های آتیش غصه سوختی

به پای دین مصطفی زندگیتو فروختی

حالا که بستی بارتو تا خدا رهسپاری

فدات بشم که وقت مرگ حتی کفن نداری

وقتی وصیت می کنی دلم آتیش می گیره

همش می گم خدا کنه که مادرم نمیره

میون اون سفارشات تو چی گفتی به اسماء

مگه قراره چی بیاد بی تو به روز زهرا

۵- امشب دل تنگ مرا اشکم روایت می کند

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب دل تنگ مرا اشکم روایت می کند

امشب خدیجه با تو ای اسماء وصیت می کند

ای آشنایم ، بشنو نوایم

جان تو و زهرای من ۲

*****

اسماء بهار عمر من امشب به پایان می رسد

زهرا سرش بر سینه ام من بر لبم جان می رسد

جانم فدایت ، در بین امت

جان تو و زهرای من ۲

*****

اسماء ز ناموس خدا باید کنی غم پروری

از حال زهرایم بپرس در غربت بی مادری

در شادی و غم ، در اشک و ماتم

جان تو و زهرای من ۲

*****

آن شب که پیوند گل یاس و صنوبر می شود

آن شب که زهرا کوثر قرآن حیدر می شود

با مهربانی ، تا می توانی

جان تو و زهرای من ۲

*****

آن شب که جسمش را علی شوید به اشک دیدگان

بر پیکر مجروح او اسماء بریز آب روان

جان تو و زهرای من ۲

*****

۶- آن مادری که منشأ عصمت ز جوی اوست

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آن مادری که منشأ عصمت ز جوی اوست

آن بانویی که بوی رسالت ز سوی اوست

گویی: ز شأن خدیجه به من بگو

گویم: جهان ذره و جنت ز خوی اوست

۷- آسمون بی تو به اشکش شعر بارون می خونه

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آسمون بی تو به اشکش شعر بارون می خونه
بعد تو ستاره ای تو آسمون نمی مونه
تو دیار بی کسی ها سر خاک قبر تو
بابا اسمتو با یه حال پریشون می خونه
بیشتر روزا توی خونه ، تشنه یه گوشه
زانواشو می گیره تو بغلش غریبونه
گر چه آشیونمون بوی تو داره همه جاش
بعد تو دیگه صفا نمونده توی این خونه
گیسوهام پریشونه و لابه لاش خاک عزاست
بیا و دوباره موهای منو بزن شونه
غریبی سخته باور کن بعد تو ای مادرم
بابا بعد تو شده غریبه ی این زمونه
همه جای قلب من از داغ تو شعله وره
هر کی بی مادر شده شاید حالم رو بدونه

۸- امشب پدر می دید کوثر گریه می کرد

مشخصات

مناسبت رحلت
سبک ولادتی
قالب غزل
شاعر ناشناس
منبع زمزمه های ولایت ۱-۷۷
تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب پدر می دید کوثر گریه می کرد
زهرا به روی قبر مادر گریه می کرد
خاک مزار مادرش را می گرفت و
با دست خود می ریخت بر سر گریه می کرد
یاد گذشته یاد آینده برای
این مادر و دختر پیمبر گریه می کرد
گرم تماشای عزاداری آنها

یک گوشه ای آرام حیدر گریه می کرد

تکرار شد این قصه اما در دل شب

این بار زینب زار و مضطر گریه می کرد

بر روی قبر مخفی مادر به یاد

آن شعله ها و یاس پرپر گریه می کرد

وقتی که خون تازه از مسمار می ریخت

انگار بر حال علی در گریه می کرد

دست خدا را دست بسته می کشاندند

زهرا به مظلومی شوهر گریه می کرد

صیادها با تازیانه حمله کردند

کوچه قفس بود و کبوتر گریه می کرد

یک روز هم زینب به زیر تازیانه

در قتلگه پیش برادر گریه می کرد

وقتی که طفلان بین آتش می دویدند

بر روی نی چشم دلاور گریه می کرد

طفل یتیمی روی پای عمه ی خود

از غصه ی تاراج معجر گریه می کرد

۹- ای دامنت دانشگه زهرا خدیجه

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های مناجات ۵

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای دامنت دانشگه زهرا خدیجه

ای همدم تنهایی طاها خدیجه

نوشیده آب از چشمه ی چشم تو کوثر

ای باغبان شاخه ی طوبی خدیجه

هستی فدای هستی احمد نمودی

هستی فدای هستیت بادا خدیجه

زخم زبان بسیار از مردم شنیدی

اما نیفتادی دمی از پا خدیجه

آموختی درس فداکاری بعالم

ارث از تو دارد زینب کبری خدیجه

روزی که دندان پیمبر را شکستند

افروختی چون لاله ی صحرا خدیجه

روزیکه زهرایت به کوچه خورد سیلی

بودی کجا ای محرم زهرا خدیجه

روزی که زهرا پشت در فریاد می کرد

ای کاش بودی یاورش آنجا خدیجه

۱۰- مادر دل بابام می گیره، تو بی کسی اسیره

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۷۷

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مادر دل بابام می گیره، تو بی کسی اسیره

اگه بری دیگه زهرا می میره(۲)

*****

میون بستر غم جون نداری

برای پر کشیدن بی قراری

می ری و دختر تو جا می ذاری(۲)

*****

مادر سر روی پات می ذارم، اشک عزا می بارم

واسه بی مادری سنی ندارم(۲)

*****

با اون نیگات دلمو می سوزونی

نفس نفس می زنی نیمه جونی

همش دعا می کنم تا بمونی(۲)

*****

مادر از تو چشات می خونم، تو می ری من می مونم

وصیتات شده قاتل جونم(۲)

*****

می ریزه خاک عزا بر سر من

می دونی که نمی شه باور من

که بی کفن بمونه مادر من(۲)

*****

۱۱- مادر، تو که داری می ری به سفر

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۷۷

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مادر، تو که داری می ری به سفر

یه نیگا کن به حال پدر

منم و چشمای شده تر (منو ببر ۳)

*****

بی تو خونمون غرق ماتمه، مادر

از غم تو هر چی بگم کمه، مادر

بعد تو قد دخترت خمه(عمر من کمه۳) مادر

*****

فکر رفتنت قاتل منه ، مادر

قلبمو داره از جا می کنه، مادر
غصه ی من از (بی تو بودنه۳) مادر
*****
هر شب از غمت می گیرم زبون، مادر
حرفای منو از چشام بخون، مادر
یامنو ببر (یا پیشم بمون۳) مادر
*****
ابر بارونه تو چشای من، مادر
جون نداره این دست و پای من، مادر
خونه داری زوده برای من(ای خدای من۳) مادر
*****

۱۲- ای ز صد هاجرت درود و سلام

مشخصات

مناسبت رحلت
سبک مرثیه
قالب ترکیب بند
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع از صیام تا قیام
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای ز صد هاجرت درود و سلام
کرده مریم به محضر تو قیام
همسر مصطفی درود درود
مادر فاطمه سلام سلام
همتت وقف مکتب توحید
ثروتت پشتوانه ی اسلام
هم سلام تو را رسانده خدا
هم به تو فخر کرده خیرالأنام
پا نهادی فراتر از مریم
در جلال و کمال و قدر و مقام

از سر عالمی کشیدی دست

با رسول خدا شدی همگام

دخترت کوثر رسول خدا

پسرانت به جن و انس امام

با ادب از تو گفتن مدح

با وضو باید از تو بردن نام

چشم دین بر جمال تو روشن

دل احمد به وصل تو آرام

مؤمنین را یگانه مامی تو

مادر یازده امامی تو

*****

تو به اسلام مادری کردی

تو به توحید یاوری کردی

عصمت از دامنت چنان جوشید

که به مریم برابری کردی

با محمد، محمدی گشتی

بر پیمبر، پیمبری کردی

بین طوفان و موج حادثه ها

فُلک دین را تو لنگری کردی

تویی آن شیر زن که مردانه

ایستادی و حیدری کردی

تا کنی دلبری ز پیغمبر

اول از خلق دل، بری کردی

با محمد ز هست و بود جهان

دست شستی و همسری کردی

دخت طاها ام ابیها را

این تو بودی که مادری کردی

مشرق یازده ستاره شدی

بلکه خورشید پروری کردی

صلوات خدا به اولادت

جان عالم فدای دامادت

*****

تو صدف، فاطمه است گوهر تو

گوهر تو نه بلکه کوثر تو
بود بر یاری رسول خدا
کوه و صحرا و خانه سنگر تو
هستی ات را به مصطفی دادی
هست خود بر تو داد داور تو
خالق لم یزل سلام تو را
می فرستاد بهر شوهر تو
پیشتر از شب ولادت خود
هم کلام تو بود دختر تو
یار احمد شدی چه بهتر از این
که خدا گشت یار و یاور تو
به محمد زدند سنگ ولی
بود دردش درون پیکر تو
گشت درّ یتیم عبد ا...
از دو عالم یگانه گوهر تو
تک و تنها شدی، زنان قریش
ایستادند در برابر تو
غم مخور گر زنان مکه دگر
ننهادند رو به محضر تو
«این دغل دوستان که می بینی
مگساند دور شیرینی»
*****
سخنانم اگر چه گوهر بود
وصف تو از سخن فراتر بود
بر تو در یاری رسول خدا
نه غم جان نه بیم از سر بود
بر محمد وجود همچو تویی
مثل زهرا برای حیدر بود
در هجوم تمام حادثه ها
دست هایت رسول پرور بود
بود یک رکن مصطفی حیدر
همسریّ تو رکن دیگر بود
حرمت قلب دخترت زهرا

کفنت جامه ی پیمبر بود
کفن دیگرت ز جبرائیل
خلعت ذات حی داور بود
پدر و مادرم فدایت باد
که جهادت جهاد اکبر بود
افتخار ائمه بر زهرا
فخر زهرا به چون تو مادر بود
خوانده ای با محمد از آغاز
پیشتر از نزول وحی نماز
*****
تو گل از باغ معرفت چیدی
در رسول خدا، خدا دیدی
آنچه نا دیده بود چشم کسی
دیدی و گل شدی و خندیدی
شهد أقرا ز دست پیغمبر
وحی نازل نگشته نوشیدی
با محمد نماز می خواندی
در کنار علی درخشیدی
سجده ی آفتاب بر خاکت
ماه احمد شدی و تابیدی
در بهشت نبوت و توحید
مام امّ الائمه گردیدی
نخل طوبای آرزوی نبی
باغ سبز همیشه جاویدی
هر کجا بر نبی جسارت شد
مثل شیر خدا خروشیدی
سال شد بر رسول عام الحزن
تا تو صورت به خاک پوشیدی
شهر مکه است شهر غربت تو
اشک «میثم» نثار تربت تو
*****

۱۳– ای داده به عصمت شرف و نام خدیجه

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای داده به عصمت شرف و نام خدیجه

ای بسته به طوفت فلک احرام خدیجه

ای همسر پیغمبر اسلام خدیجه

ای عصمت حق فاطمه را مام خدیجه

ای ختم رسل را ز شرف نور دو دیده

قبل از شب بعثت به پیمبر گرویده

*****

ای مکه ز خاک قدمت خلد مخلد

ای عصمت معبود و امید دل احمد

اسلام بپا خواست وَ گردید مؤید

از ثروت تو تیغ علی خُلق محمد

تا حشر خلایق که خدا را بپرستند

مدیون فداکاری و ایثار تو هستند

*****

ای بر تو سلام آمده از داور هستی

بگذشته در آئین نبی از سر هستی

دلداده و دلبرده ز پیغمبر هستی

زیبد که بخوانند ترا مادر هستی

کی مثل تو از هستی خود چشم بپوشد

تا فاطمه از سینه ی او شیر بنوشد

*****

آنروز که افتاد خزان در چمن تو

پر زد به جنان طوطی روح از بدن تو

تا بوی گل احمدی آمد ز تن تو

شد جامه ی پیغمبر اکرم کفن تو

با مرگ تو آغاز شد ای عصمت سرمد

بی مادری فاطمه تنهایی احمد

*****

برخیز که بر ختم رسل فخر زمانه

خانه شده غمخانه ای بانوی خانه

بر گیسوی زهرا که زند بعد تو شانه

بی تو شده از هر مژه اش سیل روانه

پیغمبر اکرم ز غمت زار بگرید

خون است دل فاطمه مگذار بگرید

*****

بردار سر از خاک و ببین همسر خود را

بنگر هدف سنگ ، سر شوهر خود را

بازآ و ببین اشک فشان دختر خود را

برگیر به بر دختر بی مادر خود را

بی روی تو گردون به نظر تیره چو دود است

برخیز که بی مادری فاطمه زود است

*****

ای جامه ی احمد کفنت بر بدن پاک

کن بهر حسینت به جنان جامه ز غم چاک

تو بر سر دست نبی و او به روی خاک

سر تا به قدم چون گل پرپر شده صد چاک

مجنون تو بر نور دو عین تو بگیرد

تا صبح قیامت به حسین تو بگرید

*****

۱۴- مادر مرو که فاطمه ات زار و مضطر است

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مادر مرو که فاطمه ات زار و مضطر است

هجر تو قاتل من غمدیده دختر است

غصه مخور به حال پدر چونکه بعد تو

زهرای کوچک توبرایش چو مادر است

در سرزمین شعب ابی طالب از محن

اکنون ز اوج داغ و عزای تو محشر است

گویا که سال حزن برای پدر بود

این سال غم که با غم دنیا برابر است

بار سفر تو بستی و رفتی ولی بدان

کوتاه عمر دختر مثل کوثر است

وای از دمی که فاطمه ات را تو از بهشت

بینی میان شعله و در پشت یک در است

جرم تو هست یاری پیغمبر خدا

جرم من حزین به خدا عشق حیدر است

آنکه فکنده لرزه به جانم نظاره بر

چندین کفن بود که به دست پیمبر است

بعد از شمارش کفن این روضه ام شده

یک کودک بدون کفن داغ مادر است

۱۵– مادر مهربونم، نزن آتیش بجونم

مشخصات

مناسبت رحلت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مادر مهربونم ، نزن آتیش بجونم
مرو ای مادر من مرو ای مادر من

*****

آخر ای پرستوی شکسته پر
حالا که میری سفر منم ببر
بی تو تنها و غریب میشه بابا
بی تو آتیش می گیره دلای ما
ای همه دلخوشیم ، از غمت می کشیم
مرو ای مادر من مرو ای مادر من

*****

بعد تو بابا غریب تر می شه باز
مثل شمع می سوزه با سوز و گداز
رو سرش سنگ و خاکستر می ریزند
نرو که بعد تو بیشتر می ریزند
مادرم مرو سفر ، من و این خونِ جگر
مرو ای مادر من مرو ای مادر من

*****

تو تموم هستی تو دادی براش
زندگی و عمر تو کردی فداش
حالا غصه ی تو پیرش می کنه
دیگه از زندگی سیرش می کنه
مادرم بمون پیشم ، همیشه یادت می شم
مرو ای مادر من مرو ای مادر من

*****

مادرم بعد تو ای بی قرینه
یه روزی میام پیشت از مدینه
از تو دل می شکنه و پهلوی من
می سوزونه سینمو عدوی من
من گل باغ توأم ، نیلی داغ توأم
مرو ای مادر من مرو ای مادر من

*****

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

